

دیدگاه آیت‌الله فاضل لنکرانی(ره)

در مورد حجیت خبر واحد در تفسیر

شریفه شیخزاده*

چکیده

در خصوص حجیت خبر واحد در تفسیر قرآن دو دیدگاه وجود دارد: دیدگاه اول مربوط به کسانی است که حجیت خبر واحد را مختص آیات فقهی دارای اثر شرعی می‌دانند و دیدگاه دوم مربوط به کسانی است که قائل به حجیت خبر واحد در آیات غیرفقهی، از جمله تفسیر نیز می‌باشند. چون روایات در تفسیر و تبیین کلام الهی جایگاه ویژه‌ای دارند و بخش قابل توجهی از آن‌ها از نوع اخبار آحاد می‌باشند، بررسی دیدگاه‌های هر کدام از صاحبان این دو قول ضروری است. از این رو در این مقاله با روش توصیفی - تحلیلی، دیدگاه آیت‌الله فاضل لنکرانی(ره) به عنوان یکی از موافقان حجیت خبر واحد در تفسیر بیان شده و ادله ایشان مبنی بر حجیت روایات تفسیری ارزیابی شده است. وی برای اثبات مدعای خویش دو دلیل ذکر می‌کند: دلیل اول، عمومیت سیره عقلا و دلیل دوم، اطلاق ادله شرعی تبعیدی است. به اعتقاد ایشان، هر کدام از این ادله در اثبات حجیت خبر واحد پذیرفته شود، به دلیل اطلاقتشان، حجیت خبر واحد نیز باید مطلقاً پذیرفته شود. براین اساس، خبر واحد در تفسیر هم حجت است. در نتیجه اعتباربخشی به روایات آحاد، گنجینه عظیم معارف اهل بیت(ع) در تفسیر آیات الهی به کار گرفته می‌شود و بهره‌مندی از کلام الهی را دوچندان می‌کند.

واژگان کلیدی: قرآن کریم، حجیت خبر واحد، تفسیر، روایات تفسیری، آیت‌الله

فاضل(ره).

* طلبه سطح سه رشته تفسیر و علوم قرآن، مؤسسه آموزش عالی حوزوی معصومیه(خواهران)

مقدمه

در تفسیر آیات حیات بخش قرآن مجید، همواره کلام اهل بیت (ع) هادی و چراغ راه مفسرین بوده؛ لذا یکی از مهم‌ترین منابع در تفسیر قرآن کریم، روایات می‌باشد. روایات در علم حدیث از حیث صدور به دو دسته متواتر و واحد تقسیم می‌شوند. خبر واحد، گاهی قرائنی را به همراه دارد که موجب قطعی شدن صحت خبر می‌شود (خبر واحد محفوف به قرینه) و گاهی بدون قرینه می‌باشد. از دیدگاه علمای شیعه، خبر متواتر و خبر واحد محفوف به قرینه از آن‌جا که علم آور بوده، حجت می‌باشند، ولی خبر واحد مجرد از قرینه، افاده یقین نکرده و تنها افاده ظن می‌نماید. آنچه در این میان مورد اختلاف می‌باشد، قسم آخر، یعنی خبر واحدی است که قرینه‌ای به همراه نداشته باشد. در این باره دو دیدگاه عمده وجود دارد: دیدگاه اول [این‌که] برخی متقدمین از علما قائل به عدم حجیت خبر واحد به طور مطلق (فقه و غیر فقه) بوده‌اند که براساس سخن شیخ انصاری (ره) بزرگانی چون سید مرتضی، ابن‌ادریس، قاضی ابن‌براج و طبرسی و ابن‌زهره در این زمره واقع‌اند. دیدگاه دوم [این‌که] کسانی که حجیت خبر واحد را پذیرفته‌اند که علمایی از عصر حاضر تا زمان شیخ مفید و شیخ طوسی بر این دیدگاه استوار می‌باشند. (رستمی، ۱۳۸۰، ج ۱: ۳۵)

از میان دسته دوم، گروهی قائل به حجیت خبر واحد، تنها در حوزه فقه می‌باشند و حجیت خبر واحد در تفسیر را نمی‌پذیرند، چراکه این دسته از علما تنها حجیت روایاتی را می‌پذیرند که دارای اثر شرعی باشد؛ از جمله آنان شیخ طوسی، نائینی و آقا ضیاءالدین عراقی از متقدمان و از متأخران، علامه طباطبائی (ره) را می‌توان نام برد؛ (ناصح، ۱۳۸۷: ۲۶، ۲۷ و ۲۸) گروه

دوم کسانی هستند که خبر واحد را در غیر فقه، از جمله تفسیر، حجت می‌دانند که آیت‌الله خوئی (ره)، آیت‌الله فاضل (ره) و آیت‌الله معرفت از جمله قائلین به آن می‌باشند که البته ممکن است ملاک هر یک در پذیرش با دیگری متفاوت باشد. (ناصح، ۱۳۸۷: ۴۶، ۴۸ و ۴۹)

چون بیشترین تعداد روایات تفسیری را اخبارِ آحادِ بدون قرینه تشکیل می‌دهند، لازم است اقوال هر کدام از موافقان و مخالفان حجیت خبر واحد در تفسیر بررسی شود تا وضعیت این تعداد از روایات مشخص گردد، زیرا چنانچه این روایات را حجت بدانیم، می‌توانیم از مضمون آن‌ها در تفسیر قرآن مجید استفاده کنیم و در صورت عدم التزام به حجیت‌شان نتیجه به صورت دیگری رقم می‌خورد. البته در بحث حجیت خبر واحد، شناخت مفهوم «حجیت» بسیار مهم است، چراکه در پذیرش حجیت در تفسیر و عدم پذیرش آن نقش مهمی دارد. در این بحث، سؤال‌هایی به وجود می‌آید که طبق پذیرش هر کدام از این دیدگاه‌ها پاسخ‌های متفاوتی محقق می‌گردد؛ این که آیا خبر واحد، تنها در آیات فقهی که اثر شرعی دارند حجت است یا روایات آحاد در تفسیر تمام آیات قرآن مجید دارای اعتبار است؟ در صورت پذیرش حجیت خبر واحد در تفسیر، «حجیت» چه مفهومی می‌یابد؟ آیا پس از اثبات حجیت خبر واحد در تفسیر، ماهیت ظنی آن به علم تبدیل می‌شود؟ این‌ها سؤال‌هایی است که در این مقاله به آن‌ها پاسخ مستدل می‌دهیم.

در زمینه حجیت خبر واحد در تفسیر و اعتبار روایات تفسیری

کتاب‌هایی نگاشته شده است که از جمله می‌توان به این‌ها اشاره کرد:

«مدخل التفسیر» نوشته آیت‌الله فاضل^۱ که منبع اصلی این مقاله است. این کتاب از کتاب‌های علوم قرآنی است که آن را عالم اصولی و قرآنی نوشته است. البته بحث حجیت خبر واحد در این کتاب در چند صفحه به شکل مختصر بیان گردیده است.

کتاب «اعتبار و کاربرد روایات تفسیری» از علی‌احمد ناصح. این کتاب که ظاهراً پایان‌نامه ایشان است، در سال ۱۳۸۷ چاپ شده و در آن به شکل مبسوط به بحث حجیت روایات تفسیری و بررسی دیدگاه مخالفان و موافقان پرداخته که در این نوشتار از آن استفاده شده است.

کتاب‌های دیگر که به مباحث علوم قرآنی پرداخته‌اند نیز به این مسئله در لابه‌لای مباحث‌شان اشاره کرده‌اند؛ مانند کتاب *البیان آیت‌الله خوئی(ره)، التفسیر والمفسرون آیت‌الله معرفت*، «آسیب‌شناسی و روش‌شناسی تفسیر معصومان» نوشته علی‌اکبر رستمی و همچنین کتاب «روش‌شناسی تفسیر قرآن» نوشته علی‌اکبر بابایی که در آن بحث خبر واحد و اقسامش بررسی گشته و حجیت و دیدگاه‌های مطرح در مورد آن به شکل مبسوط بیان شده است. علاوه بر این، مقاله‌های زیادی در این زمینه نگاشته شده است؛ از جمله: «حجیت خبر واحد در تفسیر قرآن» (نشریه معرفت، ۱۳۸۹: ش ۱۵۲) نوشته استاد محمدتقی مصباح. ایشان در این مقاله به بررسی مبادی تصویری و تصدیقی این بحث پرداخته‌اند. «پژوهشی در اعتبار احادیث تفسیری» (پژوهش‌نامه قرآن و حدیث، ۱۳۸۲، ش ۱) نوشته علی‌احمد ناصح. این مقاله، بخشی از کتاب ایشان است که پیش‌تر ذکر گردید. «بازپژوهی حجیت روایات تفسیری با تکیه بر دیدگاه علامه طباطبائی» (اندیشه علامه، ۱۳۹۵، ش ۴) نوشته روح‌الله محمدعلی نژاد عمران

و کامران اویسی و مقالات دیگری از این دست که به دلیل جلوگیری از اطالۀ کلام به همین مقدار بسنده می‌شود.

در مقاله پیش‌رو با روش توصیفی - تحلیلی و با بهره‌گیری از منابع یادشده، ابتدا واژگان کلیدی، مفهوم‌شناسی می‌گردد، سپس ادله حجیت خبر واحد ذکر می‌شود و بعد، دیدگاه آیت‌الله فاضل (ره) و چگونگی استدلال ایشان بر حجیت خبر واحد بیان می‌گردد. تبیین و تحلیل دیدگاه ایشان در خصوص حجیت خبر واحد در تفسیر، وجه تمایز این پژوهش با پژوهش‌های قبلی است که به‌طور خاص مورد توجه نویسندگان نبوده است.

مفهوم‌شناسی

«حجیت خبر واحد»، عبارت کلیدی این پژوهش می‌باشد که لازم است به‌درستی تبیین گردد و بدین منظور، ابتدا هر یک از واژه‌های آن به‌طور مجزا تعریف می‌شود.

الف) حجیت

مصدر به معنای حجت بودن است. «حجت» در لغت عرب به معنای وسیله پیروزی هنگام محاصره است. (فراهیدی، ۱۴۰۹ق، ج ۳: ۹؛ ابن فارس، ۱۴۰۴ق، ج ۲: ۲۹، ذیل ماده حج) برخی لغویان، آن را به برهان و دلیل که همان وسیله غلبه بر دشمن است معنا کرده‌اند. (جوهری، ۱۳۷۶ق، ج ۱: ۳۰۴؛ ابن اثیر، ۱۳۶۷، ج ۱: ۳۴۱؛ ابن‌منظور، ۱۴۱۴ق، ج ۲: ۲۲۸) هم‌چنین به معنای دلالت آشکاری که بیانگر صحت یکی از طرفین نقیضین می‌باشد، آمده است. (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق، ج ۱: ۲۱۹) با توجه به معانی گوناگونی که بیان شد، می‌توان «حجت» را چنین معنا کرد: هر چیزی که

صلاحیت داشته باشد به وسیله آن علیه دیگری استدلال و احتجاج شود. (مظفر، ۱۳۷۰، ج ۳: ۱۳)

«حجت» در اصطلاح منطقیان و اصولیان معانی متفاوتی دارد:

۱. حجت منطقی: آنچه از قضایای نتیجه‌بخش و مرتبط با هم تشکیل شده باشد و سبب علم به مجهول شود. به عبارت دیگر، قضایا و تصدیقات معلومی که سبب تصدیق مجهولی شود (صغرا، کبرا و نتیجه) «حجت» نامیده شده [است]. گاهی هم به «حد وسط» قیاس، حجت گفته می‌شود. (مظفر، همان، ج ۳: ۱۳؛ مشکینی، ۱۳۷۱، ج ۱: ۱۱۴) به بیان دیگر، صحت اعتماد برای کشف و به‌دست آوردن واقع و بحث درباره مقدار شمول حقانیت، حجیت منطقی نامیده می‌شود. (صدر، ج ۱: ۲۱۹؛ هاشمی شاهرودی، ج ۴: ۲۷)

۲. حجت اصولی: دلیلی که متعلق خود را به جعل شرعی اثبات نموده و به درجه قطع و یقین نرسد، چرا که قطع، خودش حجیت ذاتی دارد؛ پس حجیت اصولی شامل قطع نمی‌گردد. (مظفر، ج ۳: ۱۳) البته اگر حجیت موضوعی باشد، شامل قطع می‌شود، ولی در حجیت طریقی این اطلاق صحیح نیست. (ر.ک: مشکینی، ۱۳۷۱، ج ۱: ۱۱۴)

در تعریف دیگر، به‌طور کلی صحت استناد به ادله معتبر شرعی (قطع، اماره و اصل عملی) و درستی عمل طبق آن‌ها «حجیت» نام گرفته است. لازمه حجیت دلیل، دو ویژگی «منجزیت» و «معدّریّت» آن است؛ یعنی اگر دلیل به واقع اصابت نماید، تکلیف بر مکلف منجز می‌شود و مخالفت با آن موجب عقوبت است، اما در جایی که حجت مطابق واقع نباشد، تمسک به آن برای مکلف، عذر محسوب می‌شود و عقاب را از او دفع می‌کند.

آخوند، چهار ویژگی منجزیت، معذرت، تجری و انقیاد را برای حجیت قطع بیان می‌کند ولی حجیت ظنون و امارات را تنها شامل منجزیت و معذرت می‌داند. (ر.ک: فاضل لنکرانی، ۱۳۸۵، ج ۴: ۱۵۴) شایان به ذکر است منظور از حجیت در این تحقیق، نه حجیت منطقی و نه حجیت به معنای مصطلح اصولی (معذرت و منجزیت) است، بلکه معنای خاصی است که در قسمت‌های بعدی به‌طور مفصل تبیین می‌گردد.

ب) خبر واحد

خبر دو قسم است: خبر متواتر و خبر واحد. خبر متواتر، خبری است که به موجب آن، آرامش و برطرف شدن شک و شبهه برای انسان حاصل گشته و به وسیله آن، قطع و یقین نسبت به مخبر به (سنت) به دست آید، زیرا تعداد مخبرین به حدی است که احتمال کذبشان محال خواهد بود. این خبر مطلقاً حجیت دارد. (مظفر، ۱۳۷۰، ج ۳: ۷۱) خبر متواتر به دو دسته لفظی و معنوی تقسیم می‌شود و برخی «تواتر اجمالی» را هم به این اقسام افزوده‌اند. خبر واحد در مقابل خبر متواتر قرار دارد؛ یعنی خبری است که به حد تواتر نرسد، گرچه بیش از یک راوی داشته باشد. خبر واحد، علم‌آور نیست، مگر محفوف به قرائنی باشد که موجب علم به درستی آن خبر شود. (مظفر، ۱۳۷۰، ج ۳: ۷۱ و ۷۲)

اقسام خبر واحد

الف) خبر واحد محفوف به قرینه

خبری که متواتر نیست، ولی همراه با قرائنی است که موجب علم به آن می‌شود؛ از جمله خبری که دارای محتوای عالی و بلند باشد؛ مانند برخی

خطبه‌های نهج‌البلاغه. هم‌چنین خبری که موافق با ظاهر قرآن باشد. این قسم از خبر واحد دارای حجیت است. (رضایی اصفهانی، ۱۳۸۷: ۱۱۶)

(ب) خبر واحد ضعیف

خبر غیرمتواتری که سند معتبر نداشته، لذا اطمینان به صدور آن از معصوم(ع) وجود ندارد. از این قسم اخبار در میان روایات زیاد است که گاهی ممکن است جعلی یا از اسرائیلیات باشد. (رضایی اصفهانی، ۱۳۸۷: ۱۱۷) این نوع خبر استنادپذیر نیست.

(ج) خبر واحد معتبر

خبری که متواتر نبوده و قرینه‌ای هم با آن همراه نیست، ولی طریق آن معتبر است. این خبر، یقین‌آور نیست و فقط مفید ظن است. (رضایی اصفهانی، ۱۳۸۷: ۱۱۸) این اخبار به سه دسته صحیح، حسن و موثق تقسیم می‌شوند. (ر.ک: به مدیر شانه‌چی، ۱۳۷۲: ۱۴۸) در مورد حجیت این قسم از خبر و گستره‌اش اختلاف نظر وجود دارد و مراد از خبر واحد در این نوشتار، همین قسم است؛ یعنی خبر واحد غیرمحفوف به قرینه که تنها مفید ظن می‌باشد و قطع‌آور نیست.

دلایل حجیت خبر واحد

در این بخش، ابتدا ادله حجیت خبر واحد در علم اصول به شکل مختصر بیان می‌گردد. این ادله را آیت‌الله فاضل(ره) در کتاب «یضاح‌الکفایه» به نقل از آخوند خراسانی(ره) بیان نموده‌اند. چون آیت‌الله فاضل(ره) قائل به حجیت خبر واحد در تفسیرند، ادله‌ای که برای حجیت خبر واحد ذکر می‌گردد، غالباً شامل حجیت در تفسیر نیز می‌باشد. البته در

این‌جا از بیان تفصیلی نحوه استدلال به برخی ادله خودداری می‌شود، از آن جهت که در روند بحث تأثیری ندارد و موجب اطاله کلام می‌گردد.

الف) ادله قرآنی

آیت‌الله فاضل اذعان می‌کند که در قرآن، آیاتی وجود دارد که می‌توان از آن‌ها حجیت خبر واحد را استنباط نمود؛ از جمله:

آیه نبأ: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِن جَاءَكُمْ فَاسِقٌ بِنَبَأٍ فَتَبَيَّنُوا أَنْ تُصِيبُوا قَوْمًا بِجَهَالَةٍ فَتُصْبِحُوا عَلَى مَا فَعَلْتُمْ نَادِمِينَ»؛ «ای کسانی که ایمان آورده‌اید، اگر شخص فاسقی خبری برای شما آورد، درباره آن تحقیق کنید تا مبادا به گروهی از روی نادانی آسیب برسانید و از کرده خود پشیمان شوید». (حجرات: ۶)

آیه نفر: «وَمَا كَانَ الْمُؤْمِنُونَ لِيَنفِرُوا كَافَّةً فَلَوْلَا نَفَرَ مِن كُلِّ فِرْقَةٍ مِّنْهُمْ طَائِفَةٌ لِّيَتَفَقَّهُوا فِي الدِّينِ وَلِيُنذِرُوا قَوْمَهُمْ إِذَا رَجَعُوا إِلَيْهِمْ لَعَلَّهُمْ يَحْذَرُونَ»؛ «شایسته نیست مؤمنان همگی [به سوی میدان جهاد] کوچ کنند؛ چرا از هر گروهی، طایفه‌ای از آنان کوچ نمی‌کنند [و طایفه‌ای بمانند] تا در دین، تعلم و آگاهی پیدا کنند و هنگام بازگشت به سوی قوم خود، آنان را انذار نمایند تا [از مخالفت فرمان پروردگار] بترسند و خودداری کنند (روح تحذر بین آن‌ها پیدا شود)». (توبه: ۱۲۲)

آیه کتمان: «إِنَّ الَّذِينَ يَكْتُمُونَ مَا أَنزَلْنَا مِنَ الْبَيِّنَاتِ وَالْهُدَىٰ مِنْ بَدْمٍ مَا يَبْلُغُهُم لِّلنَّاسِ فِي الْكِتَابِ أُولَٰئِكَ يَلْعَنُهُمُ اللَّهُ وَيَلْعَنُهُمُ اللَّاعِنُونَ»؛ «کسانی که دلایل روشن و وسیله هدایتی را که نازل کرده‌ایم بعد از آن که در کتاب برای مردم بیان نمودیم کتمان می‌کنند. خدا آن‌ها را لعنت می‌کند و همه لعن کنندگان نیز بر آن‌ها لعن می‌نمایند». (بقره: ۱۵۹)

آیه سؤال: «وَمَا أَرْسَلْنَا مِنْ قَبْلِكَ إِلَّا رَجُلًا نُوحِيَ إِلَيْهِمْ فَسَلُّوا أَهْلَ الذِّكْرِ إِنْ كُنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ»؛ «ما پیش از تو [کسی را] نفرستادیم، جز مردانی که به آن‌ها وحی می‌کردیم»؛ اگر نمی‌دانید، از اهل اطلاع سؤال کنید». (نحل: ۴۳؛ فاضل لنکرانی، ۱۳۸۵: ۲۹۴)

آیه اذن: «وَمِنْهُمْ الَّذِينَ يُؤْذُونَ النَّبِيَّ وَيَقُولُونَ هُوَ أُذُنٌ قُلْ أُذُنٌ خَيْرٌ لَكُمْ يُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَيُؤْمِنُ لِلْمُؤْمِنِينَ وَرَحْمَةٌ لِلَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَالَّذِينَ يُؤْذُونَ رَسُولَ اللَّهِ لَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ»؛ «از آن‌ها کسانی هستند که پیامبر را آزار می‌دهند و می‌گویند او خوش‌باور است! بگو خوش‌باور بودن او به نفع شماست [، ولی بدانید] او به خدا ایمان دارد و [تنها] مؤمنان را تصدیق می‌کند و رحمت است برای کسانی از شما که ایمان آورده‌اند». (توبه: ۶۱؛ فاضل لنکرانی، ۱۳۸۵، ج ۴: ۲۶۱-۲۹۸)

ب) ادلهٔ روایی

از دیدگاه آیت‌الله فاضل (ره)، علاوه بر آیات اخبار متعددی دال بر حجیت خبر واحد وجود دارد. وی معتقد است در صورتی می‌توان به این اخبار در اثبات حجیت خبر واحد استناد کرد که تواتر داشته باشند و گرنه با خبر واحد، نه می‌توان حجیت خبر واحد را ثابت نمود و نه آن را نفی کرد. ایشان در توجیه این کلام بیان می‌کنند که چون در اثبات حجیت، استدلال نیاز است، خبر واحد به کار نمی‌آید و باید به نحو تواتر وجود داشته باشد که در این جا از بین سه قسم تواتر لفظی، معنوی و اجمالی، از نوع سوم است؛ یعنی روایات متعددی داریم که نه در لفظ مشترک‌اند نه در معنا، ولی ما علم اجمالی داریم که یکی از این روایات از معصوم صادر شده است. در این صورت باید قدر متیقن و مشترک آن را اخذ و بدان عمل کرد.

«قدر متیقن» این است که اولاً: راوی خبر، عادل باشد؛ ثانیاً: به صدور خبر از امام (ع) اطمینان وجود داشته باشد. در نتیجه، حجیت خبر واحد، بالجمله و به نحو موجب جزئیة ثابت می‌گردد، ولی اگر بخواهیم به شکل وسیع‌تر خبر واحد را حجت قرار دهیم، چنین استدلال می‌کنیم که قدر متیقن روایات را عادل بودن راوی و اطمینان به صدور خبر از معصوم دانستیم؛ حال اگر مفاد چنین روایتی این بود که خبر ثقة حجیت دارد، در این صورت می‌توان گفت هر خبر ثقة‌ای حجت است، اگرچه راوی آن عادل نباشد. (فاضل لنکرانی، ۱۳۸۵: ۳۰۵ و ۳۰۶)

ج) اجماع (سیره عقلا)

آیت‌الله فاضل (ره) به نقل از آخوند خراسانی (ره)، سومین دلیل حجیت خبر واحد را «اجماع» بیان می‌کنند، اما به وجوه تقریر ایشان در دلیل بودن اجماع، اشکال می‌نمایند و سپس وجه سوم را که «سیره عقلا» می‌باشد، در دلیل بودن اجماع مطرح می‌کنند، (ر.ک: فاضل لنکرانی، ۱۳۸۵، ج ۴: ۳۰۶-۳۱۰) به این بیان که سیره عقلا از زمان ما تا روزگار شارع مقدس، بلکه قبل از شرع اسلام به‌طور مستمر چنین بوده است که به قول فرد ثقة، ترتیب اثر می‌دادند ولو قول آن ثقة، مفید علم نباشد، منتها باید آن شخص متهم به کذب نباشد. واضح است که شرط حجیت سیره عقلا این است که شارع مقدس منعی از آن ننموده باشد که در این صورت کشف می‌کنیم که این سیره، مورد رضایت شارع بوده است و در امور شرعی، از جمله خبر واحد حجیت دارد. آیا شارع در مورد این سیره منعی ننموده است؟ خیر، چون مسئله حجیت خبر واحد، مهم و مبتلا به بوده است و اگر ممانعتی از طرف

شارع شده بود، باید به وضوح و درستی به دست ما می‌رسید. البته دلیل عمده بر حجیت خبر واحد، همین سیره عقلاست. (فاضل لنکرانی، ۱۳۸۵: ۳۰۹)

(د) عقل

چهارمین دلیل بر حجیت خبر واحد، وجوه عقلیه‌ای است که در این باب بیان شده، اما به دلیل طولانی شدن بحث و با توجه به این که این دلیل در بین ادله آیت‌الله فاضل (ره) بر حجیت خبر واحد در تفسیر بیان نشده است، از بیان آن صرف نظر می‌کنیم. (ر.ک: فاضل لنکرانی، ۱۳۸۵، ج ۴: ۳۱۶ - ۳۴۱)

مراد از حجیت خبر واحد در تفسیر

چنان که در بخش مفهوم‌شناسی بیان شد، مراد اصولی و فقهی از حجیت طبق مسلک آخوند خراسانی (ره) همان معذرت و منجزیت است که تنها به حکم شرعی که اثر عملی دارد تعلق می‌گیرد؛ یعنی خبر یا باید خودش متضمن حکم شرعی باشد یا موضوع برای حکم شرعی قرار گیرد. در موارد دیگر مثل تفسیر قرآن، معذرت و منجزیت معنا ندارد، چرا که این مفهوم مربوط به عمل جوارحی می‌باشد که در حوزه فقه مطرح است و در تفسیر معنا ندارد. (مصباح، ۱۳۸۹، ش ۱۵۲: ۳) از این رو مشخص است که مراد از حجیت در کلام آیت‌الله فاضل (ره) نمی‌تواند به این معنا باشد، بلکه مراد ایشان از حجیتی که در تفسیر بیان می‌کنند، مفهومی غیر از معذرت و منجزیت است. شایان ذکر است در کتاب‌های ایشان در این خصوص توضیحی یافت نشده، اما فرزند ایشان حجت‌الاسلام حاج شیخ جواد

فاضل (حفظه الله) به گونه‌ای جالب به تبیین این مسئله پرداخته و از تعبیری نو در مفهوم حجیت در تفسیر استفاده کرده‌اند. ایشان می‌فرمایند:

چه اشکالی دارد بگوییم حجیت در دایرهٔ فقه به معنای معذرت و منجزیت است و همین حجیت در دایرهٔ تفسیر قرآن به معنای «میینیت» است؟ اگر گفتیم خبر واحد در تفسیر قرآن حجت است، یعنی می‌تواند مبین و مفسر آیه باشد... یعنی درحقیقت، ما باید حجیت را به معنای اعتبار تفسیر کنیم. این در دایرهٔ فقه با معذرت و منجزیت تطبیق پیدا می‌کند و در دایرهٔ تفسیر با مییینیت و مفسریت مطابقت می‌یابد. (fazellankarani.com، جلسهٔ ۸۷، ۱۳۸۸/۱/۳۱)

با توجه به بیان ایشان روشن شد که مراد از حجیت در تفسیر، منجزیت و معذرت نبوده، بلکه مییینیت منظور است.

به نظر می‌رسد از دلایل عمدهٔ اختلاف میان موافقان و مخالفان حجیت خبر واحد در غیر احکام فقهی، از جمله تفسیر، در مبهم بودن مبادی تصویری و مفهوم مشترکات لفظی است. (مصباح، ۱۳۸۹، ش ۱۵۲: ۳) در ادامه به بیان ادلهٔ آیت‌الله فاضل (ره) از معتقدان به حجیت خبر واحد در تفسیر پرداخته می‌شود و به‌طور مفصل، نحوهٔ استدلال ایشان بر حجیت روایات آحاد تفسیری تبیین می‌گردد.

الف) چگونگی استدلال آیت‌الله فاضل بر حجیت خبر واحد در تفسیر

دیدگاه آیت‌الله فاضل (ره) در مورد حجیت خبر واحد در تفسیر در کتاب *مدخل التفسیر* ایشان که از آن به «اصول التفسیر» تعبیر شده، بیان گردیده است. ایشان ذیل رکن دوم از ارکان تفسیر که «بیان معصوم» می‌باشد، ابتدا حجت بودن کلام معصومین (ع) را در کشف مراد الهی و

تفسیر قرآن مجید بیان کرده و وجه تعلیل آن را در مورد پیامبر اکرم (ص) واضح دانسته و در مورد امام (ع) می‌گویند: «از آن جایی که اهل بیت (ع) یکی از دو ثقل رسول‌الله (ص) می‌باشند که برای نجات از ضلالت، امر به تمسک به ایشان شده‌ایم، لذا کلام ایشان برای ما در تفسیر، حجت است». وی سپس بیان می‌کند چنانچه کلام معصوم (ع) از طریق روایت متواتر یا خبر واحد محفوف به قرینه قطعی به ما برسد، حتی اگر با ظاهر قرآن ناهم‌خوان باشد، حجت است و باید به آن عمل شود، چراکه کلام معصوم (ع) به منزله قرینه صارفه می‌باشد. (فاضل لنکرانی، ۱۴۲۸ق: ۱۸۵ - ۱۸۶)

ب) تقریر محل بحث

چنان که قبلاً ذکر شده، خبر متواتر و خبر واحد محفوف به قرینه به دلیل علم‌آوری و اطمینان‌بخش بودن، نزد همگان حجیت دارند و طبق سخن آیت‌الله فاضل (ره) حجیت‌شان به حدی است که حتی اگر با ظاهر قرآن هم‌خوانی نداشته باشند، باز هم حجت‌اند. مسئله مورد اختلاف میان اندیشه‌وران حوزه تفسیر، خبر واحد مجرد از قرینه (ثقه، صحیح و حسن) است که تنها افاده ظن می‌نماید.

آیت‌الله فاضل (ره) در کتاب *مدخل التفسیر* بحث از حجیت خبر واحد (غیر محفوف به قرینه) دارای شروط اعتبار را به عنوان محل اختلاف مطرح می‌نماید و سپس این پرسش را بیان می‌کند که آیا خبر واحد، تنها در زمینه احکام فقهی و فروع عملی حجت است یا در باب تفسیر هم استنادپذیر می‌باشد؟ ایشان در پاسخ، دو قول مختلف در خصوص حجیت خبر واحد بیان می‌کنند: گروهی که خبر واحد را تنها در تفسیر آیات فقهی

و احکام عملی قرآن حجت می‌دانند و دسته دیگر، کسانی‌اند که خبر واحد را مطلقاً چه در آیات فقهی و چه غیرفقهی حجت می‌دانند. (فاضل لنکرانی، همان: ۱۸۶) ایشان در ادامه به تقریر سخن قائلان به عدم حجیت خبر واحد در تفسیر می‌پردازند و بیان می‌کنند:

چه بسا گفته شود که در باب تفسیر نمی‌توان به خبر واحد اعتماد نمود، ولی در زمینه بیان احکام فقهی و فروع عملی می‌توان به آن استناد جست. به عبارت دیگر، می‌توان آیات فقهی قرآن را با استفاده از روایات نقل شده از طریق خبر واحد تفسیر نمود، اما در مورد آیاتی که با احکام عملی در ارتباط نیستند، خبر واحد به هیچ وجه حجت به شمار نمی‌آید. (فاضل لنکرانی، ۱۳۸۱: ۲۹۱)

ایشان علت نظر مخالفان حجیت خبر واحد در تفسیر را به مفهوم حجیت که منجزیت و معذرت می‌باشد، ارتباط می‌دهند، به این شکل که این دو امر (منجزیت و معذرت) تنها در زمینه تکالیف عملی مطرح می‌شوند؛ یعنی چنانچه مفاد خبر واحد، حکم شرعی یا موضوعی برای دستیابی به حکم شرعی باشد، آن خبر حجت است، چراکه در این صورت، وصف معذرت و منجزیت در مورد آن صدق می‌کند. در غیر این صورت، خبر واحد حجت نیست و استنادپذیر نمی‌باشد و بنابراین، خبر واحد در تفسیر آیات غیرفقهی حجت نیست. (فاضل لنکرانی، ۱۴۲۸ق: ۱۸۶)

براساس این سخن، روایات تفسیری در برخی آیات، حجت و استنادپذیرند، ولی در بعضی دیگر از آیات، حجیت ندارند و نمی‌توان در تفسیر از آن‌ها بهره جست. به نظر ایشان، پذیرش این امر جای تأمل دارد. (فاضل لنکرانی، ۱۴۲۸ق: ۱۸۶)

از قائلان به این نظر در دوران معاصر، علامه طباطبائی(ره) است. ایشان در جای جای تفسیر المیزان بر اختصاص حجیت خبر واحد به آیات فقهی دارای اثر شرعی و بی اعتبار بودن خبر واحد در غیر احکام فقهی تصریح می‌نماید و نیز دلایلی را بر عدم حجیت روایات تفسیری بیان می‌کند. (ناصح، ۱۳۸۲: ۵۳)

آیت‌الله فاضل(ره) در رد نظر مذکور و استدلال بر حجیت خبر واحد در تفسیر چنین می‌گویند:

«أنه لا فرق في الحجية والاعتبار بين القسمين لوجود الملاك في كلتا صورتين؛ يقيناً بين این دو قسم (خبر واحد مربوط به آیات فقهی و غیر فقهی) در حجیت و اعتبار تفاوتی نیست، چراکه در هر دو صورت، ملاک وجود دارد». (فاضل لنکرانی، ۱۳۸۲: ۱۸۶-۱۸۷)

به نظر ایشان میان اخباری که مربوط به آیات فقهی و احکام عملی است با آیات غیر فقهی از نظر حجیت، تفاوتی نیست، زیرا هر دو ملاک مشترک دارند. منظور از ملاک، همان ادله حجیت خبر واحد است که شامل عمومیت دلیل سیره عقلا و ادله شرعی تبعدی می‌باشد. در ادامه، این ادله بیان می‌شود. (فاضل لنکرانی، ۱۳۸۲: ۱۸۶-۱۸۷)

ج) ادله حجیت خبر واحد در تفسیر از دیدگاه آیت‌الله فاضل(ره)

آیت‌الله فاضل(ره) در تبیین ملاک حجیت خبر واحد در تفسیر، ادله حجیت خبر واحد را در دو دسته بیان می‌کنند؛ ایشان می‌گویند: «مستند حجیت خبر واحد یا بنای عقلا و سیره مستمر ایشان است که البته این دلیل، مهم‌ترین مستند حجیت خبر واحد می‌باشد که اکثر قائلین به حجیت خبر واحد، آن را مهم‌ترین دلیل حجیت بر خبر واحد دانسته‌اند و یا ادله شرعیه

تعبیدیه (کتاب، سنت و اجماع) است. بنابر نظر ایشان، هر کدام از این ادله، اطلاق داشته و شامل حجیت خبر واحد در تفسیر هم می‌شود». (فاضل لنکرانی، ۱۳۸۲: ۱۸۷) در ادامه به شرح آن‌ها می‌پردازیم.

۱. عمومیت دلیل سیره عقلا

آیت‌الله فاضل (ره) در تبیین و اثبات عمومیت دلیل سیره عقلا بیان می‌کنند که براساس سیره عقلا که دلیل عمده برای حجیت خبر واحد است، عقلای هر قوم در اعتماد به خبر واحد، بین آنچه اثر عملی دارد و ندارد، تفاوتی قائل نمی‌شوند، بلکه با هر دو نوع خبر واحد، مانند قطع برخورد می‌کنند و به آن اعتماد می‌نمایند؛ مثلاً چنانچه عقلا از آمدن «زید» برایشان قطع حاصل شود، می‌توانند آن را اخبار نمایند، هر چند اثر عملی نداشته باشد. هم‌چنین اگر فرد ثقه‌ای از آمدن زید خبر دهد، از نظر عقلا این خبر قابل اعتماد و استناد است، هر چند اثر عملی بر آن مترتب نیست. این اعتماد بر خبر واحد ثقه در همه ابعاد زندگی عقلا رواج دارد و براساس آن زندگی می‌کنند؛ مثلاً با استناد به این عبارت که «ید اماره مالکیت است» حکم صادر می‌کنند و خرید و فروش می‌نمایند. پس با توجه به این مسئله که عقلا اعتمادشان بر خبر واحد، مختص مواردی نبوده که اثر عملی داشته و میان این موارد با جایی که اثر عملی نداشته است تفاوتی نگذاشته و بر هر دو اعتماد کرده‌اند، دلیل بر اختصاص وجود ندارد. بنابراین روایات در باب تفسیر، مطلقاً حجیت دارند. (فاضل لنکرانی، ۱۴۲۸ق: ۱۸۷)

پرسشی که در این جا مطرح می‌گردد این است که آیا مراد معظم‌له این است که عقلا خبر واحد را با آن که دلیل ظنی است، علم قرار داده‌اند یا خیر؟ در پاسخ این پرسش، تبیین فرزندشان این است که مراد پدرشان این

نیست که عقلا خبر واحد را به منزله علم می‌دانند، بلکه آنان همان آثاری را که بر علم بار می‌کنند، بر این دلیل ظنی هم بار می‌نمایند. از این رو همان طور که به خبر قطعی عمل می‌کنند، به خبر واحد نیز عمل می‌نمایند و چون شارع، این سیره عقلاییه را امضا نموده است، خودش هم باید خبر واحد را در همه جا حجت قرار دهد. (fazellankarani.com جلسه ۸۷،

۱۳۸۸/۱/۳۱)

آیت‌الله فاضل(ره) با استناد به سیره عقلا و نیز اشاره به همسانی ملاک در ظواهر قرآن و روایات، به بیان دیگر به اثبات حجیت خبر واحد در تفسیر می‌پردازند. ایشان مطرح می‌کنند که چون تنها دلیل حجیت ظواهر قرآن که دلیل ظنی است، سیره عقلا می‌باشد و براساس آن، همه آیات قرآن حجت است، چگونه می‌توان در حجیت روایات تخصیص قائل شد، حال آن که دلیل هر دو یکی است؟ ایشان می‌گویند: چنانچه سیره عقلا دلیل بر حجیت خبر واحد باشد، در این صورت بین خبری که بیان می‌شود و آیه‌ای که معصوم(ع) برخلاف ظاهرش تفسیر کرده با خود ظواهر آیاتی که دلیل اعتبارش تنها بنای عقلا بر عمل به ظواهر است، تفاوتی نمی‌باشد. در این صورت میان این روایات و آیات قرآن از نظر حجیت و اعتبار تفاوتی نیست، چرا که براساس سیره عقلا ظواهر آیات قرآن کریم حجت بوده و تنها عامل اعتبار کلام الهی، تکیه بر همین ظواهر می‌باشد. در نتیجه، همان طور که ظواهر کلام‌الله به طور مطلق حجیت داشته و مختص آیات فقهی و احکام عملی نیستند، خبر واحد هم مطلقاً دارای حجیت بوده و اختصاصی به احکام فقهی ندارد. (فاضل لنکرانی، ۱۴۲۸ق: ۱۸۷ و ۱۸۸)

به دلیل یک‌سان بودن ملاک حجیت در ظواهر قرآن و روایات و اطلاق حجیت ظواهر، می‌توان مطلق بودن روایات را نیز ثابت کرد. براساس آنچه ذکر شد، ایشان با استناد به عمومیت ادله حجیت خبر واحد، حجیت آن را در تفسیر اثبات کردند.

۲. عمومیت ادله شرعی تبعدی

پس از بیان سیره عقلا بر حجیت خبر واحد، ایشان بحث ادله شرعی تبعدی را مطرح می‌کنند که شامل قرآن، سنت و اجماع است. البته در پذیرش اصل این ادله به عنوان ادله حجیت، قیدی وارد می‌کنند مبنی بر این که «اگر دلالت این ادله را بر بیان حکم تبعدی تأسیسی بپذیریم». (عیسی ولایی، ۱۳۸۷: ۱۹۴) «حکم تأسیسی، حکمی است که در عرف عقلا سابقه نداشته و شارع مقدس، آن را برای اولین بار تشریع نموده؛ مانند بسیاری از احکام تکلیفیه که برای مکلف، بعدآور است». آوردن این قید نشان می‌دهد که ایشان ظاهراً تمامیت این ادله را در مواردی نپذیرفته‌اند. طبق فرمایش معظم‌له به هر حال در صورت پذیرش تمامیت این ادله، ظاهر، عدم اختصاص این دلایل به احکام فقهی و عملی است، زیرا قیدی با عنوان «حجیت» یا مشابه آن وجود ندارد که دال بر مفهوم معذرت و منجزیت باشد که خصوص باب تکالیف و اعمال می‌شود. پس معلوم می‌شود این ادله عمومیت دارند؛ یعنی در حجیت خبر واحد، میان آیات الاحکام و غیر آن تفاوتی نیست و شامل تفسیر همه آیات قرآن می‌شود؛ برای نمونه، چنانچه دلیل بر حجیت خبر واحد را «آیه نبأ» بدانیم، مفهوم ذکر شده از این آیه بیانگر آن است که اعتماد به خبر واحد عادل جایز است و برای صدق مدعای وی نیازی به تحقیق و تفحص نیست، چنان‌که می‌بینیم در مفهوم

«آیه نبأ» قرینه و دلیلی بر اختصاص آن به احکام فقهی و آنچه اثر عملی داشته باشد، وجود ندارد، بلکه آیه، مطلق است و هر گونه خبر را شامل می‌شود. (فاضل لنکرانی، ۱۴۲۸ق: ۱۸۷-۱۸۸)

البته فرزند ایشان، حجت الاسلام شیخ جواد فاضل (حفظه‌الله) در این جا اشکالی را بر کلام پدر وارد می‌کنند که نمی‌توان گفت شارع هر خبری را حجت قرار می‌دهد، بلکه شارع تنها در دایره شرع و آنچه مربوط به اعمال انسان است می‌تواند سیره عقلا را امضا نماید. پس خبر واحدی که بیانگر امور تاریخی و غیر آن است که خارج از محدوده شرع می‌باشد، قابل امضا و تأیید شارع نیست، چراکه هیچ اثر شرعی و عملی برای انسان ندارد. (fazellankarani.com جلسه ۸۷، ۱۳۸۸/۱/۳۱)

البته آیت‌الله فاضل(ره) هم در کتاب *مدخل التفسیر* این نکته را بیان کرده و فرموده‌اند:

«نعم لا محيص عن الالتزام بالاختصاص بما إذا كان له إرتباط بالشارع و إضافة إليه بما أنه شارع ولكن لا يستلزم خروج المقام...»؛ چاره‌ای نیست جز ملزم شدن به اختصاص در جایی که مرتبط با شارع است و به او نسبت پیدا می‌کند. ایشان در ادامه می‌فرمایند که این امر سبب نمی‌شود بیان ما در باب حجیت خبر واحد در تفسیر دچار خدشه شود، زیرا صرف اسناد دادن امری به خداوند و کشف مراد الهی از آیات قرآن مجید، هر چند این آیات حکمی نباشد، بلکه قصص، مواظ و... باشد، امری است که حتماً مرتبط با شارع است. بنابراین، اسناد این امر به خداوند متعال که او خبر از کشته و مصلوب نشدن عیسی(ع) داده امری جایز است، هر چند این خبر به احکام تکلیفی انسان ارتباطی ندارد. (فاضل لنکرانی، ۱۴۲۸ق: ۱۸۸)

در واقع چون در تفسیر، مطالب را به خداوند اسناد می‌دهیم، ارتباط با شارع برقرار می‌شود و صرف همین اسناد خبر در حجیت آن کفایت می‌کند. می‌توان گفت معظم‌له در این جا از طریق توسعه‌ی اثر به حل مسئله پرداخته است؛ یعنی چنانچه بپذیریم در باب حجیت خبر واحد، اثر شرعی داشتن، شرط است، می‌گوییم می‌توان اثر را توسعه داد و حجیت این روایات را اثبات کرد، چراکه ما با حجت‌دانستن این گونه روایات، آن‌ها را به معصوم (ع) نسبت می‌دهیم و از طرفی، فهم و برداشت امام (ع) را از آیه به دست می‌آوریم و در نهایت با استفاده از فهم معصوم (ع) آن را به خداوند نسبت می‌دهیم و این اثر شرعی مهم و قابل توجه است. (ناصح، ۱۳۸۷: ۵۴)

بنابراین از نظر آیت‌الله فاضل (ره) با استفاده از عمومیت ادله حجیت خبر واحد می‌توان علاوه بر احکام فقهی، مطالب مختلفی همچون مواعظ، نصایح و قصص قرآنی را به خداوند نسبت داد و از لابه‌لای آیات قرآن کریم به تبیین غرض الهی برای استفاده‌ی عموم مردم پرداخت. ایشان در خاتمه بحث بر این مطلب تأکید می‌کنند که نهایتاً هیچ اشکالی در حجیت خبر واحد در باب تفسیر وجود ندارد:

«و بالجمله لا مجال للاشکال فی حجة خبر الواحد فی باب التفسیر

مطلقاً». (فاضل لنکرانی، ۱۴۲۸ق: ۱۸۸)

آنچه ذکر شد، بیان دیدگاه و ادله آیت‌الله فاضل (ره) در مورد حجیت خبر واحد در تفسیر قرآن کریم بود. در ادامه، دلیل دیگری بر حجیت خبر واحد در تفسیر بیان می‌گردد که در کتاب *مدخل التفسیر* به آن اشاره نشده بود، ولی فرزند بزرگوارشان در درس خود آن را بیان کرده‌اند که به دلیل اهمیت‌اش بدان می‌پردازیم.

۳. وجود روایات تفسیری

از ادله مهمی که می‌توان در حجیت خبر واحد بر تفسیر بیان کرد، وجود روایت فراوان تفسیری است. وجود این روایات که در باب تفسیر قرآن بیان شده و هم‌چنین تفسیرهایی که به بیان روایات ذیل آیات پرداخته‌اند (تفسیر برهان، نورالثقلین، کنزالدقائق و غالب تفسیر صافی فیض کاشانی) نشان از اهمیت این روایات دارند. چون بیشتر این روایات از نوع خبر واحد ظنی‌اند، چنانچه خبر واحد در تفسیر حجت شمرده نشود، برای این روایات لغویت پیش می‌آید. دلیل دیگر، نقل آن از اصحاب ائمه(ع) است و این که ائمه معصومین(ع) یا نباید سخنی می‌فرمودند و یا باید پس از بیان به اصحاب خود می‌گفتند این کلام فقط برای شما حجیت دارد. (fazellankarani.com، جلسه ۸۷، ۱۳۸۸/۱/۳۱) (به نظر می‌رسد این دلیل، دلیلی عقلی بر حجیت خبر واحد در تفسیر است).

جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

با توجه به آنچه در این مقاله ذکر شد، از دیرباز میان علما بر سر حجیت خبر واحد مجرد از قرینه، اختلاف نظر بوده است. در بحث تفسیر، برخی قائل به حجیت خبر واحدند و بعضی حجیت را تنها شامل آیات فقهی و احکام عملی می‌دانند؛ برخی هم مانند آیت‌الله جوادی (حفظه الله) قائل به تفصیل‌اند. آیت‌الله فاضل(ره) که از موافقان با حجیت خبر واحد در تفسیرند، با استناد به دو دلیل «عمومیت سیره عقلا» و «عمومیت ادله شرعی تبعدی» مدعای خود را ثابت می‌کنند. البته طبق نظر ایشان، سیره عقلا دلالت محکم‌تری دارد. دلیل دیگر مبنی بر حجیت روایات آحاد تفسیری،

وجود فراوان این روایات است که در صورت عدم پذیرش حجیت آن‌ها مسئله لغویت این روایات پیش می‌آید.

در نهایت براساس دیدگاه آیت‌الله فاضل (ره) می‌توان گفت همه کسانی که سیره عقلا را در حجیت خبر واحد دلیل می‌دانند، باید اطلاق و عمومیت آن را نیز بپذیرند و چنانچه افرادی فقط ادله شرعی (آیات و روایات) را دلیل بر حجیت خبر واحد پذیرفته‌اند، باید به آن‌ها گفت که آیات و روایات نیز این اخبار را تأیید می‌کنند و اطلاق دارند. بنابراین براساس عمومیت ادله مذکور، حجیت خبر واحد در تفسیر اثبات می‌گردد.

فهرست منابع

الف) کتاب‌ها و مقاله‌ها

۱. قرآن کریم.
۲. ابن اثیر، مبارک‌بن محمد، النهایه فی غریب الحدیث و الأثر، ج ۱، انتشارات اسماعیلیان، قم ۱۳۶۷.
۳. ابن فارس، احمد، معجم مقاییس اللغة، محقق: هارون عبدالسلام محمد؛ ج ۲، چاپ اول: مکتب الأعلام الإسلامی، قم ۱۴۰۴ق.
۴. ابن منظور، محمد بن مکرم، لسان العرب، ج ۲، چاپ سوم: دار صادر، بیروت ۱۴۱۴ق.
۵. جوهری، اسماعیل بن حماد، الصحاح (تاج اللغة و صحاح العربیه)، محقق: عطار احمد عبدالغفور، ج ۱، چاپ اول: دارالعلم للملایین، بیروت ۱۳۷۶ق.
۶. راغب اصفهانی، حسین بن محمد، مفردات الفاظ قرآن، چاپ اول: دارالقلم، بیروت ۱۴۱۲ق.
۷. رستمی، علی اکبر، آسیب شناسی و روش شناسی تفسیر معصومان، ج ۱، انتشارات کتاب مبین، رشت ۱۳۸۰.
۸. رضایی اصفهانی، محمد علی، منطق تفسیر قرآن ۲ (روش‌ها و گرایش‌های تفسیری قرآن)، چاپ سوم: جامعه المصطفی العالمیه، قم ۱۳۷۸ / ۱۴۲۹ق.
۹. صدر، سید محمد باقر، مباحث الاصول، ج ۱، انتشارات دارالبشیر، قم ۱۴۰۸.
۱۰. فاضل موحدی لنکرانی، محمد، ایضاح الکفایة، ج ۴، چاپ پنجم: انتشارات نوح، قم ۱۳۸۵.
۱۱. _____، مدخل التفسیر، مرکز فقه الائمة الاطهار(ع)، قم ۱۴۲۸ق.

۱۲. _____، مقدمات بنیادین علم تفسیر (ترجمه مدخل التفسیر)، ترجمه محمدرسلول دریایی، انتشارات بنیاد قرآن، تهران ۱۳۸۱.
۱۳. فراهیدی، خلیل بن احمد، کتاب العین، ج ۳، چاپ دوم: نشر هجرت، قم ۱۴۰۹ق.
۱۴. مدیرشانه چی، کاظم، علم الحديث، دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه، قم ۱۳۷۲.
۱۵. مشکینی، علی، اصطلاحات الاصول و معظم ابحاثها، ج ۱، چاپ پنجم: دفتر نشر هادی، قم ۱۳۷۱/۱۴۱۳ق.
۱۶. مصباح، محمدتقی، «حجیت خبر واحد در تفسیر قرآن»، نشریه معرفت، سال نوزدهم، شماره ۱۵۲، مرداد ۱۳۸۹.
۱۷. مظفر، محمدرضا، اصول الفقه، ج ۳، چاپ چهارم: انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی، قم ۱۳۷۰.
۱۸. ناصح، علی احمد، «پژوهشی در اعتبار احادیث تفسیری»، مجله علمی - پژوهشی پژوهش نامه قرآن و حدیث، پیش شماره ۱، ۱۳۸۲.
۱۹. _____، اعتبار و کاربرد روایات تفسیری، انتشارات بوستان کتاب، قم ۱۳۸۷.
۲۰. هاشمی شاهرودی، سید محمود، بحوث فی علم الاصول، ج ۴، دائرة المعارف فقه الاسلامی طبقاً لمذهب اهل بیت (ع)، قم ۱۳۷۵.
۲۱. ولایی، عیسی، فرهنگ تشریحی اصطلاحات اصول، ج ۶، نشر نی، تهران ۱۳۸۷.

ب) سایت‌ها

۲۲. تقریرات درس حجت الاسلام شیخ جواد فاضل لنکرانی در سایت «fazellankarani.com» جلسه ۸۷، ۱۳۸۸/۱/۳۱.

۱۱۶ مجموعه مقالات سیری در اندیشه‌های قرآنی آیت‌الله العظمی فاضل لنکرانی (ره)

۲۳. سایت پژوهشکده مدیریت اطلاعات و مدارک اسلامی به آدرس
«wiki.islamicdoc.org»، ۱۳۹۷/۱۱/۵.